



راهنمای

تبيين ارزش و مدافعه از جدايے دين و دولت

و تاثير متقابل آن با برقراري گفت و گوهاي اعتقادي در ايران

مجيد محمدي



راهنمای
تبیین ارزش و مدافعه از جدایه دین و دولت
و تاثیر متقابل آن با برقراری گفت و گوهای اعتقادی در ایران
مجید محمدی



آموزشکده آنالاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

راهنمای تبیین ارزش و مدافعه از جدایه دین و دولت
و تاثیر متقابل آن با برقراری گفت‌وگوهای اعتقادی در ایران

The Value of and Advocacy for Separation of Religion
and State, and Its Mutual Impact on Launching Belief-based
Dialogues in Iran

مجید محمدی

نقاشی روی جلد اثر: Paul Klee

آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

© E-Collaborative for Civic Education 2023

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثرگرایی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارایه می‌شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و برساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

تقدیم به دین‌داران، باورمندان و بی‌دینانی که پیام انقلاب سکولار و آزادی‌گرایی ۱۴۰۱ مبنی بر برابری و آزادی، از جمله آزادی دین‌داری و بی‌دینی و مدارا و حقوق بشر، را به‌درستی دریافت کرده و از حقوق مساوی همه دین‌داران، به‌ویژه بهائیان، و حقوق بی‌دینان در برابر قانون و حقوق انسانی و شهروندی ایرانیان علی‌رغم تهدیدها دفاع می‌کنند.

فهرست

- پیشگفتار ۱۱
۱. ضرورت گفت‌وگوی میان مومنان و غیرمومنان در جوامع سکولار و غیرسکولار ۱۶
۲. نقش گفت‌وگوی باور-محور در رفع چهار سوءفهم رایج در مورد سکولاریسم ۱۹
۳. فواید تفکیک نهادهای دینی و دولت برای رفاه و زندگی اجتماعی مومنان و غیرمومنان ۲۲
۴. مزایای جدایی نهادهای دینی و دولت برای دفاع از حقوق بشر برای همه ایرانیان ۲۵
۵. دفاع از سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی با تاکید بر جامعه مدنی در ایران ۳۱
۶. زمینه‌های مساعد و حاصل‌خیز برای حمایت از گفت‌وگوی دین-محور و
باور-محور در ایران ۳۴
۷. نقش نهادهای جامعه مدنی سکولار و غیرسکولار در بهبود گفت‌وگوی
باور-محور ۳۷
۸. چالش‌های رویکردهای سکولاریستی و اسلام‌گرایانه برای گفت‌وگو
میان مومنان و غیرمومنان ۴۰
۹. چارچوب‌ها و کارزارها ۴۳
۱۰. چگونه می‌توان این چارچوب‌ها و کارزارها را توسعه داد؟ ۴۶
۱۱. دستورالعمل‌های کاربردی گفت‌وگوهای اعتقادی با هدف بسط سکولاریسم ۴۹
۱۲. سوالات اساسی پیشنهادی برای استفاده اداره‌کنندگان گفت‌وگوها و کارزارها ۵۲
- برای پرسش‌های بیش‌تر در باب سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی-انتقادی ۵۵
- برای مطالعه بیش‌تر ۵۷
- درباره نویسنده ۵۹

پیشگفتار

در تهیه این راهنما پنج پیش فرض و سه هدف مد نظر بوده است. نخست، پیش فرض ها:

۱. سکولاریسم یا عرفی‌گرایی (باور به جدایی دین و دولت) پس‌زمینه مناسب اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای گفت‌وگوی میان دین‌داران و نیز میان دین‌داران و بی‌دینان فراهم می‌کند؛ چون دولت در جامعه‌ای سکولار باید در برابر باورهای مختلف دین‌داران یا غیر دین‌داران خنثی و بی‌طرف باشد. این بی‌طرفی باعث می‌شود که دولت در این فرآیند گفت‌وگو - اگر اتفاق بیفتد - دخالت نکند و زمین برای بازی همه تیم‌ها، تخت بماند. ارزش‌ها و هنجارهای دولت باید حداقلی و مخرج مشترک ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌ها و سازمان‌ها و افراد با گرایش‌های مختلف باشد.

۲. سکولاریسم یا عرفی‌گرایی دو بستر اساسی گفت‌وگورا فراهم می‌کند: (۱) گستره عمومی را از تمامیت‌خواهی بنیادگرایی یا اسلام‌گرایی رها کرده و فضایی برای تنفس «دیگران» فراهم می‌کند و (۲) با به رسمیت شناختن تنوع و تکثر، گروه‌های محذوفی را که می‌خواهند در گفت‌وگوها مشارکت داشته باشند به عرصه عمومی می‌آورد.

۳. گفت‌وگوی میان ادیان و میان بی‌دینان و دین‌داران (گفت‌وگوی اعتقادی یا باور-محور) و سکولاریسم یک جاده دو طرفه در برابر هم دارند. هم سکولاریسم گفت‌وگوی باور-محور را تسهیل می‌کند و هم گفت‌وگوی باور-محور می‌تواند فرآیند عرفی‌شدن

جامعه و دولت را تسریع بخشد و به جدایی دین و دولت بینجامد. پیش فرض بنیادی و درس گرفته شده از تاریخ جوامع بشری در این جا این است که امر مقدس بهتر است در آسمان ها بماند و نماینده ای در زمین نداشته باشد. مقدسان زمینی معمولاً افراد و جوامع را به سوی جهنم زمینی رهنمون می شوند.

۴. یک جامعه برای رسیدن به سکولاریسم یا جدایی دین و دولت می تواند از ابزارها و روش های متفاوتی بهره بگیرد. گفت و گوی میان ادیان و میان دین داران و بی دینان یکی از این ابزارهاست و افراد و گروه ها در مقاطع مختلف تاریخی و بر حسب اقتضائات خاص خود روش های متفاوتی را برای این امر برمیگزینند؛ یعنی یک نسخه واحد وجود ندارد.

۵. یک فرد باورمند به جدایی دین و دولت، ضرورتاً باورمند به گفت و گوی میان ادیان یا میان دین داران و بی دینان نیست و یک فرد باورمند به سکولاریسم ضرورتاً به گفت و گوی اعتقادی باور ندارد؛ چون این دو رابطه ضرورتی ندارند. بنابراین مخالف گفت و گوی اعتقادی را نمی توان از جرگه باورمندان به عرفی گرایی یا سکولاریسم بیرون گذاشت یا مخالف سکولاریسم را نمی توان بی اعتقاد به گفت و گوی اعتقادی انگاشت.

کسانی که می خواهند با این راهنما مخالفت کنند نخست باید این پنج فرض را مورد انتقاد قرار دهند.

و اما سه هدف این راهنما:

۱. به جریان انداختن گفت و گوی همدلانه و انتقادی میان ادیان و میان دین داران و بی دینان در جامعه ایران با طرح موضوع سکولاریسم به عنوان یکی از موضوعات مورد جدال؛ همه ایرانیان تصور واحدی از سکولاریسم ندارند همچنان که همه ایرانیان تصور واحدی از گفت و گو ندارند.

بی دینان و دین داران از جامعه ایران قابل حذف نیستند و این دو گروه باید واقعیت یکدیگر را پذیرفته و راه هایی برای زندگی مسالمت آمیز در عین حفظ تفاوت ها پیدا کنند. گفت و گو یکی از این راه ها است.

۲. کمک به، حمایت از و تقویت فرآیند عرفی شدن که زمینه ها را برای جدایی دین و دولت فراهم می سازد. این فرآیند بدون درگیر کردن مخالفان عرفی گرایی به انجام نمی رسد. البته فرآیند عرفی شدن تنها به گفت و گو و اقناع سازی وابسته نیست. آموزش و توسعه و قطع

بودجه‌ها و کمک‌های دولتی به نهادهای دینی، نقشی بی‌بدیل در این امر دارند.

۳. شناسایی و مطرح کردن راه و روش‌هایی که توامان گفت‌وگوی باور-محور و جدایی دین از دولت را در ایران به جریان بیندازد.

تاثیر مثبتی که گفت‌وگوی میان دین‌باوران از نحل‌های مختلف و نیز میان دین‌باوران از هر نحل و غیر دین‌باوران، به طور یکسان برای غیرمومنان و مومنان دارد این است که طرف‌ها به دلیل تاثیرات افزایش احترام به حقوق بشر و تساهل بیش‌تر در جامعه، در فرآیند گفت‌وگو صرف نظر از پیشینه اعتقادی یا غیرمذهبی وجود یکدیگر را به رسمیت شناخته و از حذف فیزیکی و سانسور بر اساس تنفر و دگرستیزی دست می‌کشند.

تاثیرات مثبت جدایی دین از دولت برای گروه‌های اقلیت مذهبی ایران و همچنین افراد غیرمذهبی، که با خطرات خشونت‌آمیز مواجه هستند، به ارتقای همبستگی میان دو گروه و دیگر گروه‌های اجتماعی خواهد انجامید. این همبستگی می‌تواند ایجابی (برای رسیدن به اهداف مشترک مثل توسعه و آزادی) یا سلبی (مقابله با یک دشمن مشترک مثل استبداد یا تمامیت‌خواهی) باشد. شاید در این مسیر بتوانیم اصول کلیدی، تاثیر مورد نظر و استراتژی‌های حمایتی را برجسته کنیم.

در این راهنما روشن می‌کنم که سکولارها و غیر سکولارها منافع مشترکی در همکاری و گفت‌وگو دارند. آن‌ها در یک کشتی در دریای موج‌خاورمیانه، پراز چالش زندگی می‌کنند و برای صلح و توسعه و امنیت به زندگی مسالمت‌آمیز در درون کشور نیاز دارند. از همین جهت باید ببینند منافع مشترک آن‌ها چیست؛ بدون همکاری و گفت‌وگو در همه زمینه‌ها این منافع مشترک مشخص نمی‌شود.

این راهنما در دوازده بخش و دو بخش معرفی منابع تنظیم شده است. فصل اول را به ضرورت گفت‌وگوی میان مومنان و غیرمومنان در جوامع سکولار و غیرسکولار اختصاص می‌دهم. در فصل دوم از نقش گفت‌وگوی باور-محور در رفع چهار سوءفهم رایج در مورد سکولاریسم سخن می‌گویم. فصل سوم به تبیین فواید تفکیک نهادهای دینی و دولتی برای رفاه و زندگی اجتماعی مومنان و غیرمومنان اختصاص دارد. مزایای جدایی نهادهای دینی و دولتی برای دفاع از حقوق بشر برای همه ایرانیان و دفاع از این ایده در ایران با تاکید بر جامعه مدنی موضوع فصول چهارم و پنجم هستند. به رسمیت شناخته شدن سکولاریسم و

نهادهای مستقل مدنی، اجزای تفکیک ناپذیر برای هر گونه تغییر مدنی در ایران هستند. بنا به باور نویسنده زمینه‌های مساعد و عرفی برای حمایت از گفت‌وگوی دین-محور در ایران فراهم است که در فصل ششم به آن پرداخته شده است. نقش نهادهای جامعه مدنی سکولار و غیرسکولار در بهبود گفت‌وگوی باور-محور در این میان جدی است. از این نقش در فصل هفتم سخن می‌گویم. چالش‌های رویکردهای سکولاریستی و اسلام‌گرایانه برای گفت‌وگو میان مومنان و غیرمومنان موضوع فصل هشتم است. چارچوب‌ها و کارزارهای لازم برای گفت‌وگوی باور-محور میان سکولارها و غیرسکولارها و چگونگی توسعه این چارچوب‌ها و کارزارها موضوع دو فصل نهم و دهم این راهنما هستند. در فصل یازدهم نیز دستورالعمل‌های کاربردی این کار را عرضه می‌کنم. این دستورالعمل‌ها با توجه به شرایط ایران در سال ۱۴۰۱ و محدودیت‌هایی که وجود دارد تنظیم می‌شوند. در فصل دوازدهم سوالات اساسی پیشنهادی برای استفاده اداره‌کنندگان گفت‌وگوهای محتمل و کارزارها پیشنهاد می‌شوند. این سوالات می‌توانند مسیر کنش را تعیین کنند. در پایان نیز متونی برای استخراج پرسش‌های بیش‌تر برای ایده‌گرفتن جهت راه‌اندازی برخی کارزارها در این موضوع مطرح می‌شود.

این فصول کوتاه و موجز هستند؛ چون اول آن‌که فعالان سیاسی و مدنی بیش از متون مفصل و دراز به ایده‌های مختصر و مفید برای کنش نیاز دارند و دوم آن‌که نسل امروز، نسل توییتر (پیام ۲۸۰ کلمه‌ای) و ویدیوهای ۶۰ ثانیه‌ای هستند و متون طولانی با آن‌ها کم‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. متون طولانی‌تر برای مطالعه بیش‌تر در پایان اثر معرفی شده‌اند.

در این متن هر جا از عبارات «گفت‌وگوی اعتقادی و باور-محور» استفاده کرده‌ام منظور همان گفت‌وگوی میان ادیان و گفت‌وگوی میان دین‌داران و بی‌دینان یا باورمندان و غیرباورمندان بوده است. گفت‌وگوی دین-محور میان اعضای نهادهای دینی و مخالفان این نهادهاست و ضرورتاً به باور آن‌ها مربوط نمی‌شود. بیرون از نهادهای دینی و بدون تعلق به آن‌ها نیز افراد باورمند وجود دارند. اما بی‌دین در این متن هم بدون اعتقاد به یک دین خاص و هم لاادری را در بر می‌گیرد؛ چون لاادری‌ها به ادیان سازمان‌یافته نیز اعتقادی ندارند. فردی که به خدا اعتقاد دارد اما ادیان سازمان‌یافته را به رسمیت نمی‌شناسد مومن یا باورمند است ولی دین‌دار نیست. دین یک نهاد است.

نویسنده این راهنما در طی چهار دهه فعالیت خود هم در جنبش دانشجویی، هم در نهادهای مدنی و هم در رسانه‌ها فعال بوده و از قوت‌ها و ضعف‌های این چارچوب‌ها و

کارزارهای آن‌ها آگاه است. از این جهت تلاش برای گفت‌وگوی اعتقادی و جدایی دین از دولت را یک تلاش مداوم و پراز چالش می‌دانند. این امور به دهه‌ها کوشش خستگی‌ناپذیر نیاز دارند تا اندک‌اندک به درختانی پرثمر برای جامعه ایران تبدیل شوند.

۱. ضرورت گفت‌وگوی میان مومنان و غیرمومنان در جوامع سکولار و غیرسکولار

فاصله میان دین‌داران و بی‌دینان در دنیای امروز یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکاف میان افراد در یک گروه یا جامعه است که مسیر زندگی و نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها را تعیین می‌کند. این فاصله، گاه در سطح اجتماعی به وجه مخرب بروز می‌کند و موجب خسارات مالی و جانی عظیم می‌شود. از همین جهت باید به روش‌هایی فکر کرد که مانع از ارتقای این تنوع عقیدتی به سطحی مخرب شود. این مخرب بودن فقط به جوامعی که دین و دولت در آن‌ها آمیخته است محدود نمی‌شود بلکه در جوامع سکولار نیز گاه چالش‌برانگیز و مسئله‌دار می‌شود؛ از همین جهت است که رهبران اجتماعی و فعالان سیاسی به روش‌هایی مثل گفت‌وگو برای کاهش تنش‌ها می‌اندیشند. گفت‌وگو نیز باید دامنه‌دار باشد.

به همین دلیل است که علی‌رغم فاصله‌گیری و گاه قهر طرف‌ها از یکدیگر در دوره‌هایی، هم دین‌داران در جمع خود از باورهای متفاوت و هم بی‌دینان به این نتیجه می‌رسند که باید گفت‌وگو را آغاز کنند یا ادامه دهند. این گفت‌وگو در جوامع غربی بیش از پنج قرن است که تحت عناوین متفاوت (مثل گفت‌وگوی عقل و ایمان) با فراز و نشیب‌هایی ادامه داشته است. اما در ایران گفت‌وگوی میان ادیان و نیز میان دین‌داران و بی‌دینان بسیار پراکنده و موردی و هر از گاهی بوده و به سرعت نیز مسیر خاموشی را در پیش گرفته است. مشوق گفت‌وگو در ایران بسیار اندک و موانع آن بسیار زیاد هستند.

در این میان گفت‌وگوی میان دین‌داران و بی‌دینان بسیار دشوارتر از گفت‌وگوی اهالی ادیان مختلف است. علت هم آن است که دین‌داران مشترکاتی در باورهای خود مثل باور به امر مقدس یا نقش معنویت در زندگی و رابطه اخلاق و ایمان دارند که بی‌دینان آن‌ها را به چالش جدی می‌کشند. سوءظن‌های متقابل و جهان‌بینی‌های کاملاً متفاوت نیز در این میان نقش بازی می‌کنند. بی‌دینان همواره نگران ظهور نمادها و اعمال دینی بیش‌تر در حوزه عمومی هستند و دین‌داران نگران این نکته‌اند که سکولارشدن بیش‌تر جوامع راه را بر حضور اجتماعی دین‌داران در امور اجتماعی سد کند.

دین‌داران تمایل دارند سیاست‌ها و قوانین با احکام دینی آن‌ها انطباق پیدا کند یا حداقل تضاد و تعارضی نداشته باشند و بی‌دینان و منکران باورهای دینی به دنبال سیاست‌ها و قوانین مبتنی بر علم و عقل هستند. مشکل البته در این دوگانگی نیست؛ مشکل در رساندن این دوگانگی به سطح تضاد و جنگ است.

یکی از موانع جدی گفت‌وگو میان دین‌داران و غیردین‌داران تصویری است که باورمندان به دین سیاسی و ایدئولوژیک از سکولاریسم یا عرفی‌گرایی دارند. آن‌ها تصور می‌کنند که سکولاریسم با بی‌دینی مساوی است و گفت‌وگوی ترویج سکولاریسم و مداراست که مقدمه بی‌دینی است. تصور برخی از دین‌داران این است که عرفی‌گرایی انسان را یک حیوان صرفاً مادی که تنها به دنبال منافع خویش است و خیر جمعی را واقعی نمی‌نهد و ارزش و هنجاری را نمی‌پذیرد، تعریف می‌کند و جایی برای دین و اخلاق باقی نمی‌گذارد.

این تصور هیچ پایه و اساسی ندارد. هستند در میان بی‌دینان کسانی که این‌گونه فکر می‌کنند اما سکولاریسم با بی‌دینی هرج‌ومرج‌گرایانه متمایز است. در میان دین‌داران نیز کسانی هستند که دین و اخلاق را به هیچ می‌انگارند و خیر جمعی را فدای منافع شخصی می‌کنند.

باورمندان به گفت‌وگو میان دین‌داران و بی‌دینان باید این تصور منفی به سکولاریسم یعنی تساوی سکولاریسم با بی‌اخلاقی را اصلاح کنند و بهترین روش، اصلاح این تصور در عالم عمل و در مواجهه رو در روست. از همین جهت است که گفت‌وگو اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

گفت‌وگو میان دین‌داران و بی‌دینان و نیز میان دین‌داران در جوامع سکولار از این جهت اهمیت دارد که این جوامع به جوامعی با باور به ادغام دین و دولت تبدیل نشوند. نهال

سکولاریسم بالاخص در جوامعی با اکثریت دین‌دار نیاز به مواظبت و آبیاری دارد. همیشه این خطر وجود دارد که افراد بخواهند دین و دین‌داری را که هواداران بسیاری در جوامع دارند به اسب‌های راهواری برای کسب، تحکیم و مطلقه‌کردن قدرت تبدیل کنند. مقابله با چنین هیولایی برای جوامع بسیار هزینه‌زاست. ایرانیان در سال ۱۳۵۷ شاهد چنین رخدادی بودند؛ نهال سکولاریسم که برای پنج دهه توسط پهلوی‌ها آبیاری شده بود یکباره فرو ریخت و جای آن را گروهی تروریست که برنامه‌ای به جز فساد و ویرانی و بسط تنفر نداشتند، گرفتند.

اما در جوامع غیرسکولار این گفت‌وگو برای فراهم‌آوردن زمینه‌های فکری سکولاریسم یا عرفی‌گرایی و تقویت آن اهمیت دارد. دین‌داران سکولار یا بی‌دینان سکولار راهی غیر از آگاهی‌رسانی برای اقتناع مخالفان با این باور ندارند. هر گونه اجبار یا سرکوب در درازمدت به ضد خود تبدیل می‌شود.

۲. نقش گفت‌وگوی باور-محور در رفع چهار سوءفهم رایج در مورد سکولاریسم

روحانیت شیعه و پیروان آن‌ها از ابتدای ورود ایده‌های غربی به ایران تلاش کرده‌اند این ایده‌ها را وارونه جلوه داده یا تحریف کنند تا با گل‌آلودکردن آب مخاطبان خود را از دست ندهند. به همین علت تا سال ۱۳۵۷ که جمعیت قابل توجهی باسواد شده و به دانشگاه رفته بودند اکثریت جامعه با مفاهیم سیاسی و اجتماعی مدرن مثل دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون، تفکیک قوا، مدنیت، جامعه مدنی، شفافیت، آیین دادرسی و سکولاریسم آشنا نبودند.

تداوم عمر جمهوری اسلامی برای بیش از چهار دهه و کارنامه اسف‌بار این رژیم در کنار سیاست‌ها و قوانین اسلامی‌سازی شده به مردم نشان داد که تقابل با سکولاریسم چه نتایجی داشته است. برای رفع نظری و عملی وارونه‌سازی‌ها و زلال‌سازی آب نیاز داریم دین‌داران سکولار و غیرسکولار به همراه بی‌دینان که سکولار هستند در پنج موضوع زیر به گفت‌وگو بنشینند تا ابهامات رفع شوند.

الف. سکولاریسم و بی‌دینی

بسیاری از دین‌داران سکولاریسم را به معنای بی‌دینی می‌دانند در حالی که افراد هم می‌توانند دین‌دار و باورمند باشند و هم قائل به جدایی دین و دولت. مهم‌ترین ابزار رفع

این سوءفهم، گفت‌وگوی میان دین‌داران و بی‌دینان و نیز گفت‌وگو میان دین‌داران سکولار و غیرسکولار است. سکولارها نه تنها هیچ دشمنی با دین و دین‌داری ندارند بلکه می‌توانند دین‌دار باورمند باشند.

سکولاریسم به معنای نفی امر مقدس نیست؛ به معنای رد حضور امر مقدس و مدعاهای آن در حوزه امور عمومی و تصمیم‌گیری برای جامعه است. از همین جهت سکولارها با دین در حوزه خصوصی و حریم خانه‌های افراد هیچ مشکلی ندارند و دگم یا جزمی و تعصبی در این زمینه وجود ندارد. سکولارها ضد دین نیستند؛ مخالف دینی‌کردن امور اجتماعی و سیاسی هستند.

ب. سکولاریسم و سکولاریزاسیون

سکولاریسم یا عرفی‌گرایی به معنای جدایی دین و دولت، یک باور و عقیده است اما سکولاریزاسیون یا عرفی‌شدن یک فرآیند اجتماعی است که در آن نهادهایی که مقدس انگاشته می‌شوند به تدریج دنیوی بودنشان برای اداره‌کنندگان و اعضای آن‌ها و دیگر اعضای جامعه روشن می‌شود. در ایران تحت جمهوری اسلامی به شدت با سکولاریسم مخالفت می‌شود اما تحت همین نظام همه نهادهای دینی به تدریج دنیوی‌تر شده‌اند. بحث در مورد مبانی سکولاریسم و روندهایی که به عرفی‌شدن می‌انجامند یکی از موضوعات جذاب برای گفت‌وگوهای دین-محور یا باور-محور است.

پ. اسلامی‌سازی و دین‌داری

نظام جمهوری اسلامی، برای بیش از چهار دهه، اسلامی‌سازی همه امور را مساوی با پیگیری دغدغه‌های دین‌داری در حوزه عمومی معرفی کرده است. مقامات نظام با علم به غفلت‌بخشی دین‌داران از تفاوت اسلام سیاسی و قدرت یا اسلام هویت با اسلام عبادت و جماعت، به این سوءتفاهم دامن می‌زنند.

تفکیک اسلام قدرت و هویت با اسلام عبادت و جماعت نیز در صورتی در میان دین‌داران مقبول خواهد افتاد که اولاً این تفکیک به منافع آن‌ها خدشه‌ای وارد نکند و ثانیاً از مجرای گفت‌وگو میان خود دین‌داران ممکن شود.

ت. سکولاریسم، فرآورده استعمار و غرب

اسلام‌گرایان در ایران سکولاریسم را همانند دموکراسی و آزادی و حقوق بشر محصول غرب و استعمار (غرب و استعمار را نیز مساوی معرفی می‌کنند) معرفی کرده و می‌کنند تا از آن‌ها رفع مشروعیت کنند. اما سکولاریسم در ایران دوران پهلوی علی‌رغم بنیان‌گرفتن این سلسله بر آن، چندان مورد توجه روشن‌فکران نبود. روشن‌فکران آن دوره مسحور سوسیالیسم و اقدامات ضدامپریالیستی بودند.

در ایران قبل از دوران پهلوی نیز نهادهای دینی و دولتی از یکدیگر مجزا بودند. حتی در دوران صفویه که روحانیون شیعه قدرتمند شدند نیز دین و دولت از یکدیگر مجزا بودند و دربار بیش‌تر تحت تاثیر روحانیون قرار می‌گرفت.

سکولاریسمی که در سال ۱۴۰۱ در ایران مورد توجه قرار گرفت دقیقاً محصول اسلام‌گرایی و تقدس‌بخشی به تصمیمات و سیاست‌های یک دولت دنیوی است. روحانیت شیعه و پیروان آن‌ها آن‌چنان فساد و ناکارآمدی و سرکوب را به عنوان اموری مقدس به جامعه فروختند که جامعه در واکنش، به سکولاریسم روی کرده است تا دین را از سیاست و عرصه اجتماعی بیرون کند.

ث. دسترسی برابر به خدمات عمومی

اسلام‌گرایان سکولاریسم را محدودکننده خدمات به دین‌داران و محدودکننده آزادی‌های آن‌ها معرفی می‌کنند. اما در چارچوب سکولاریسم، بیمارستان‌ها، مدارس، پلیس و خدمات دیگر محلی ملک مشترک همگان است. بنابراین هیچ‌کس به دلیل اعتقادات مذهبی (یا غیراعتقادی) در محرومیت قرار نگرفته یا از دسترسی به خدمات عمومی محروم نمی‌شود. تمام مدرسی که بودجه دولتی دارند باید از نظر خصوصیات، غیرمذهبی باشند: «نه مذهبی و نه ضد‌مذهبی». در این چارچوب سکولاریسم، همه کودکان بدون توجه به مذهب والدینشان، با هم آموزش می‌بینند. هنگامی که یک نهاد عمومی قراردادی را برای ارائه خدمات به سازمانی وابسته به یک مذهب یا اعتقاد خاص اعطا می‌کند، چنین خدماتی باید به صورت بی‌طرف و بدون تلاش برای ترویج ایده‌های آن گروه مذهبی ارائه شود.

۳. فواید تفکیک نهادهای دینی و دولت برای رفاه و زندگی اجتماعی مومنان و غیرمومنان

سعادت اخروی یا دنیوی وعده داده شده توسط ادیان یا ایدئولوژی های دنیوی نه هیچ گاه محقق شده اند و نه قابل آزمون بوده اند. در مقابل، روش های علمی و عرفی آزموده شده برای رفاه و زندگی سعادت‌مندانه در عین حفاظت از محیط زیست، روش های حکم‌رانی عرفی اند؛ مبتنی بر آزمون‌های تحقیق و ابطال‌پذیر و سعی و خطا که امتحان خود را بهتر پس داده اند. اگر نهادهای دینی و دولتی از هم جدا باشند هر دو عهده‌دار کاری که بر عهده آن‌ها گذاشته شده - که کاری خطیر است - خواهند شد و دین‌داران و بی‌دینان هر دو از فواید این تفکیک برخوردار خواهند شد.

نهادهای دینی متکفل (۱) التیام دین‌داران در شرایط ابتلا، رنج و ازدست‌دادن، (۲) اجتماعی‌شدن در مراسم دینی و پیدا کردن حس تعلق، و (۳) تسهیل ارتباط با امر مقدس هستند. این امور نیازمند تاسیس نهاد، جمع‌آوری منابع مالی، برنامه‌ریزی و وقت‌گذاری توسط رهبران دینی و اعضای نهادهای دینی است. در مقابل نهادهای دولتی متکفل خدمات ویژه‌ای در دوران مدرن یعنی مدیریت کلان جامعه در جهت رشد و ارتقای کیفیت زندگی و دفاع از منافع و امنیت ملی هستند. خلط این دو دسته خدمات یا کارکرد، از کارایی هر دو دسته نهادهای دینی و دولتی می‌کاهد. در عین حال از هر دو دسته نهاد به علت دنیوی بودن انتظار می‌رود که شفاف و پاسخ‌گو باشند و تنفر و خشونت را ترویج نکنند.

اقدامی که این مسیر خدمت‌رسانی و پاسخ‌گویی در هر دو دسته نهاد را تسهیل می‌کند گفت‌وگوی میان دین‌داران و نیز میان دین‌داران و بی‌دینان بر سر نقش دولت در زندگی مردم، روش و محدوده‌های سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، نقش دین در زندگی مردم و چگونگی تضمین آزادی‌های مذهبی است. از این جهت گفت‌وگوهای اعتقادی را نباید به مسائل هستی‌شناختی و فقهی و اخلاقی محدود کرد؛ چون انسان‌ها تصورات متفاوتی از دین و امور دینی و دین‌داری و نقش آن‌ها در زندگی فردی و جمعی خود دارند.

یکی از موضوعات گفت‌وگوها می‌تواند این باشد که تفکیک و جدایی نهادهای دینی و سیاسی چه فوایدی برای دین‌داران و بی‌دینان و جاری شدن گفت‌وگو میان آن‌ها خواهد داشت. در این فصل به پنج دسته از این فواید اشاره می‌کنم:

۱. کارآمدتر شدن نهادها: تخصصی‌شدن و محدود و مقیدشدن دامنه کار نهادها، آن‌ها را کارآمدتر می‌سازد. نهادهای دینی نیز همانند نهادهای دولتی با معیار کارآمدی قابلیت ارزیابی دارند.

۲. محدود و مقیدسازی دولت: دولت تنها در صورت قدرتمندبودن نهادهای مدنی از جمله نهادهای مدنی دینی و استیفای حقوق شهروندی محدود و مقید می‌شود. دولت مطلقه اثری از نهادهای مدنی و حقوق شهروندی باقی نمی‌گذارد. کسانی که نهادهای دینی را قدرتمند می‌خواهند نمی‌توانند آن‌ها را در دولت ادغام کنند. چنین دولتی انگیزه زیادی برای محدودکردن گفت‌وگوی اعتقادی نیز خواهد داشت. اما دولت مقیده از گفت‌وگو استقبال می‌کند چون دیگر نهادها نیز بدین ترتیب مقید می‌شوند.

۳. آزادی دین و نهادهای دینی: در یک حکومت که ادعای تقدس دارد آزادی ادیان مختلف ممکن نیست. کسانی که خود را حق و بقیه را باطل بدانند نمی‌توانند حامیان مناسبی برای آزادی ادیان باشند. سکولاریسم فضای عمومی را از سلطه یک گروه خاص نجات داده و به ادیان اجازه می‌دهد که در گفت‌وگو در باب موضوعات عمومی و اقدامات جمعی مشارکت داشته باشند و نه تسلط.

طرفداران آزادی بیان، تشکل‌ها، مجامع و رسانه‌ها باید توجه داشته باشند که بدون آزادی دین دیگر آزادی‌ها نیز برقرار نمی‌مانند و نقض آزادی دین و دین‌داری مقدمه نقض دیگر آزادی‌هاست. مخالفت با ادیان و باورهای آن‌ها که امری مشروع

- و عقلانی است نباید افراد را از این واقعیات مغفول سازد.
۴. عدم خلط گناه و جرم: در حکومت اسلام‌گرا و ایدئولوژیک همه آنچه ایدئولوژی منع می‌کند به جرم تبدیل می‌شود. پرونده‌سازی، اشتغال هر روزه حکومت‌های ایدئولوژیک برای شهروندان منتقد یا مخالف است. سکولاریسم با تفکیک جرم و گناه بار بزرگی را از روی دوش نهادهای قضایی برداشته و دست آن‌ها را در پیش‌گیری از جرم، اعمال قانون و مجازات مجرم بازر می‌کند.
۵. تصمیم‌گیری منصفانه دولت و امکان کم‌تر فرار از پاسخ‌گویی: دولتی که ادعای تقدس نداشته و به نهادهای دینی وابسته نباشد در تصمیم‌گیری منصفانه‌تر عمل می‌کند و نمی‌تواند با «عمل به تکلیف» از زیر بار پاسخ‌گویی و مسئولیت‌شانه خالی کند. دولت مقدس به امر مقدس پاسخ‌گوست و خود را موظف به راضی‌کردن شهروندان بالاخص آن‌ها که به امر مقدس حکومت باور ندارند نمی‌داند.

۴. مزایای جدایی نهادهای دینی و دولت برای دفاع از حقوق بشر برای همه ایرانیان

تجربه حکومت دینی به همه ایرانیان نشان داده است که با تمرکز قدرت در دست دین داران، استیفای حقوق بشر غیرممکن است. حقی از حقوق بنیادین بشر نیست که توسط رژیم اسلامی در ایران یا رژیم های این چنینی در دنیا (مثل افغانستان یا داعش) نقض نشده باشد. این نقض نهادینه و ساختاری است و در هیچ دوره ای و با هیچ دولت و گروه حاکمی متوقف نشده است.

نقض حقوق بشر فقط به مخالفان سیاسی و عقیدتی محدود نمی شده و تک تک شهروندان و حتی باورمندان را در زندگی روزمره در بر می گرفته است. این نقض با اجرای احکام دین و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم آوردن سعادت دنیوی و اخروی توجیه می شده است.

حقوق بشر ایدئولوژیک شده

حکومت های غیرسکولار به همه چیز رنگ مقدس و الهی می زنند. این امر در ایران تحت حکومت دینی، اسلامی کردن نام گرفته است. برهم زدن جدایی دین و دولت در جمهوری اسلامی با چالش های جدی از سوی مردم مواجه شد و حکومت برای نمایش پاسخ گویی به این چالش ها مجبور بود نهادها و عناوینی تهی مثل حقوق بشر اسلامی یا عدالت اسلامی یا سبک زندگی اسلامی را خلق کند.

حقوق بشر اسلامی که حکومت تلاش کرد در برابر حقوق بشر غربی مطرح سازد - با این توجیه که حقوق بشر، انسانی، عام و جهانی نیست - صرفاً یک کاریکاتور از حقوق بشر بود و صرفاً جنبه تبلیغاتی داشت؛ چون همان احکام اسلام و ایدئولوژی را به عنوان حقوق بشر عرضه می‌کرد. کمیسیون و بعدها حقوق بشر اسلامی در هیچ موردی نقض حقوق شهروندان را پیگیری نکرده و صرفاً به دادن اطلاعیه برای دفاع از عملکرد قوه قضائیه اکتفا کرده است.

چهار بنیاد استیفای حقوق بشر

دفاع و استیفای حقوق بشر در یک جامعه به چهار بنیاد نیاز دارد:

(۱) استقلال دستگاه قضایی

(۲) نهادهای صنفی و مدنی قدرتمند که بتوانند از حقوق اعضای خود دفاع کنند

(۳) سنت قدرتمند آیین دادرسی که برای حقوق صوری به همان اندازه حقوق محتوایی

اهمیت قائل باشد

(۴) آزادی‌های چهارگانه (بیان، تشکل‌ها، تجمعات و رسانه‌ها) که دفاع از حقوق افراد

در عرصه عمومی را ممکن سازد.

هر چهار بنیادی که ذکر شد به جدایی دین و دولت نیز وابسته‌اند. استقلال دستگاه قضا هنگامی میسر می‌شود که حکومت با اتکا بر دین و ایدئولوژی قضاوت و فرآیند قضایی را به حیات خلوت نهادهای قدرت تبدیل نکند؛ تقدم تعهد بر تخصص در نظام دینی و ایدئولوژیک قضایی نهادهای صنفی و مدنی را بلا موضوع نسازد؛ شریعت و نظام قضایی قاضی - محور آیین دادرسی را منتفی نسازد و دین و دین‌داران آزادی‌های مردم را مدام تبصره نزند. تجربه نظام‌های غیرسکولار نشان داده که بدون سکولاریسم، چهار بنیاد فوق استقرار نمی‌یابد. یک رابطه مستقیم میان آزادی‌های چهارگانه و جدایی دین و دولت وجود دارد و از همین جهت سطح سکولاریسم را با این آزادی‌ها می‌توان اندازه گرفت. البته جهت عکس این امر را نمی‌توان ادعا کرد یعنی از سکولار بودن نمی‌توان به وجود آزادی، استقلال دستگاه قضایی، جامعه مدنی قدرتمند و رعایت آیین دادرسی حکم داد. جوامع سکولار نیز می‌توانند حکومت اقتدارگرا و تمامیت‌خواه داشته باشند اما جامعه غیرسکولار نمی‌تواند بنیادهای فوق را در خود تحکیم بخشد.

سکولاربودن شرط لازم جامعه آزاد و دموکراتیک و عادلانه است ولی شرط کافی نیست.

نقض نهادینه حقوق بشر در حکومت‌های غیر سکولار

در میان اصول سی‌گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر، اجرای اصول زیر وابستگی مستقیم به جدایی دین و دولت و خنثی و بی‌طرف بودن حکومت ایدئولوژیک و دینی دارد:

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲: (۱) هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، موقعیت اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد.

ماده ۳: هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت ملی دارد.

ماده ۵: احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به‌گونه‌ای برابر، از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

ماده ۸: در برابر اعمالی که حقوق اساسی هر فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، او حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه را دارد.

ماده ۱۰: هر کس با مساوات کامل، حق دارد دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و به نحو بی‌طرفانه، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی علیه وی اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۱۱: (۱) هر کس به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای

دفاع او تضمین شده باشد و تقصیر او قانوناً محرز گردد. (۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفته دربارہ احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲: احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۶: (۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در تمام امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند.

ماده ۱۸: هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده همچنین آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق به تنهایی یا گروهی به شکل خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.

ماده ۱۹: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده ۲۰: (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد. (۲) هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

ماده ۲۱: (۱) هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید. (۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

ماده ۲۲: هر کس به عنوان عضوی از اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی

و ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت او است، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

ماده ۲۳: (۱) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

ماده ۲۶: (۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال، رشد برساند و احترام، حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی میان تمام ملل و گروه‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید. (۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۷: (۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره‌مند گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. (۲) هر کس حق دارد از فواید منابع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۳۰: هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید به گونه‌ای تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در آن راه فعالیتی بنمایند.

چنان که ملاحظه می‌شود بخش قابل توجهی از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون سکولاریسم، مدام نقض شده و عدم رعایت آن‌ها با توجیحات دینی و ایدئولوژیک توجیه می‌شود. برای روشن شدن این موضوع به هزاران اطلاعیه و اظهارات مقامات حکومت دینی در ایران در پاسخ به ذکر موارد نقض حقوق بشر از سوی سازمان‌های ملی و جهانی حقوق بشری نگاه کنید. مهم‌ترین توجیه، دینی بودن حکومت است.

چگونگی نقض حقوق بشر در حکومت‌های غیرسکولار

بدون سکولاریسم یک حکومت ایدئولوژیک یا دینی تلاش می‌کند:

- برابری حقوق انسان‌ها را به داستانی فراموش شده تبدیل کند
- حق زندگی، آزادی و امنیت را به یک امتیاز برای خودی‌ها تبدیل کند
- شکنجه را به یک حکم دینی یا ایدئولوژیک تبدیل کرده و آن را عادی سازد
- تبعیض و آپارتاید عقیدتی را به یک اصل تبدیل کند و نه یک استثنا
- تساوی در برابر قانون را به یک لطفیه تبدیل کند و قانون را به امیال شخصی حاکمان
- حق شکایت از مقامات دینی و عقیدتی حکومت را قانوناً یا عملاً سلب کند
- دادگاه‌ها را به صحنه پرونده‌سازی و مجرم‌سازی مخالفان حکومت دینی یا ایدئولوژیک تبدیل کند
- همه افراد را گناه‌کار (از منظر نظام دینی و ایدئولوژیک خود) بپندارد مگر آن‌که خلافش ثابت شود
- جایی برای زندگی خصوصی باقی نگذارد
- حقوق مدنی و خانواده را بر اساس شریعت و ایدئولوژی تنظیم کند
- آزادی دین را به دین یا ادیان رسمی محدود سازد و برای آن هم محدودیت‌هایی قائل شود
- آزادی بیان و عقیده و فکر را به انحصار خودی‌ها درآورد
- تشکیل جمعیت و مراسم را به خودی‌های حکومت منحصر سازد
- حق مشارکت و رقابت سیاسی را از غیر وفاداران به حاکمان و ایدئولوژی آن‌ها بگیرد
- امنیت اجتماعی را از غیرخودی‌ها سلب کند
- کار را منوط به وفاداری به ارزش‌های ایدئولوژیک کند
- آموزش و پرورش را در خدمت مغزشویی و دینی‌سازی قرار دهد
- از حضور افراد غیرخودی در زندگی فرهنگی ممانعت کند
- تفسیر خاص خود را بر حقوق و آزادی‌های مردم تحمیل کند.

۵. دفاع از سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی با تاکید بر جامعه مدنی در ایران

سه دهه تجربه اصلاح‌طلبی و کارزارهای مدنی در ایران که همه در برابر حکومت تمامیت‌خواه به شکست انجامیده به ایرانیان نشان داده که گفت‌وگوی میان ادیان و دین‌داران و بی‌دینان، عرفی‌گرایی، تاسیس و تقویت نهادهای مدنی و آزادی‌های چهارگانه به یکدیگر وابستگی دارند و بدون یکی دیگران محقق نخواهند شد. همچنین اکثر افراد متوجه شده‌اند که حکومتی که یکی را نقض می‌کند - مثل آزادی‌های چهارگانه - اجازه باقی موارد مثل گفت‌وگو، تاسیس نهادهای مدنی و جدایی دین و دولت را نیز نمی‌دهد.

از این جهت کسانی که در پی گفت‌وگوی اعتقادی و جدایی دین از دولت هستند اولاً باید از استقلال نهادهای دینی از دولت تاکید و تبلیغ کنند و ثانياً زمینه‌ها را برای تاسیس و کار نهادهای مستقل از دولت فراهم سازند. دولت برای آن‌ها باید یک شریک لازم باشد و نه آچار فرانسه‌ای که با آن می‌توان هر پیچی را باز کرد. دولت‌گرایی و دولت‌محوری از عوامل مقوم اسلام‌گرایی هستند چون مسلمانان و دیگر دین‌داران را برای موفقیت در تبلیغ دینی خود به تسخیر دولت تشویق می‌کنند.

فعال مدنی کسی نیست که از دولت، بودجه و امکانات می‌گیرد تا بار دولت را کاهش دهد و آن را در فساد و تحمیل عقاید خود به دیگران کوچک و چابک بسازد. فعال مدنی کسی است که با کار داوطلبانه یا کسب منابع از بخش خصوصی، استقلال خود را حفظ

می‌کند تا بتواند موثرتر مطالبات عمومی را به انجام برساند. فعال مدنی نمی‌تواند مستقیماً و غیرمستقیم کارمند دولت باشد.

نهادهای مدنی همانند جوی آب، مجرای رسیدن مواد حیاتی تولیدشده در مزارع تولید فکر و ایده، به بستر جامعه و نهال‌های آزادی و برابری هستند. هیچ دولتی چنین مجاری‌ای را فراهم نمی‌کند؛ چون آن مجاری در صورت استقلال، قدرت آن دولت را به چالش می‌کشند. مجرایایی که دولت تاسیس کند تنها تبلیغات دولتی را به آن نهال‌ها که قرار است خشکیده شوند انتقال می‌دهد. هیچ دولت دموکراتیکی آن مجاری را در اختیار خود نمی‌گیرد و اگر گرفت دیگر دموکراتیک نیست.

نهادهایی که دولت‌ها برای سازماندهی جامعه و انتقال ایده به آن تاسیس کنند، دنباله‌رو دولت هستند و دولت را بدون دلیل موجه، فربه می‌سازند تا منابع عمومی را بمکند و کارهای نمایشی انجام دهند. یکی از وجوه چابک‌سازی و کوچک‌سازی دولت، جلوگیری از تاسیس این نهادها یا سرازیرکردن بودجه به جیب آن‌هاست.

نهادهای مدنی بخش جدایی‌ناپذیر هر گونه کارزار برای گفت‌وگوی اعتقادی میان دین‌داران و میان دین‌داران و بی‌دینان هستند، چون اگر دولت متکفل آن شود (برای نمایش مدارا) به سرعت آن را از تنوع و محتوا تهی ساخته و به ابزار پیش‌برد اهداف خود و تحکیم قدرتش تبدیل می‌کند. جمهوری اسلامی در ایران تجربه خوبی از این امر است. برخی نهادهای حکومتی و دولتی ادعا کردند که در حوزه گفت‌وگوی میان ادیان رسمی فعالیت دارند اما به سرعت آن را به ابزار کسب بودجه و سفرهای خارجی و ساختمان‌سازی و کسب زمین و مانند آن‌ها بدل کردند و اصل موضوع تبخیر شد.

نهادهای مدنی در چهار قلمرو می‌توانند در حیطه گفت‌وگوی اعتقادی و گفت‌وگو در باب جدایی دین از دولت فعال شوند:

۱. انجمن‌های دانشجویی در دانشکده‌های الهیات و علوم اجتماعی و انسانی: این رشته‌های دانشگاهی بدون گفت‌وگوی اعتقادی نمی‌توانند دانش‌جویانی معرب و نخبه پرورش دهند. گفت‌وگو بخشی از برنامه آموزشی این‌هاست.
۲. انجمن‌ها و جمعیت‌های طلاب شیعه و سنی در حوزه‌های علمیه: اگر حوزه‌های علمیه در پی این باشند که افرادی را برای تبلیغ دین پرورش دهند و نه کارگرانی برای اداره نهادهای دینی مستقر، بالاجبار باید گفت‌وگوی اعتقادی را ترویج کنند تا

رهبران دینی را به سلاح استدلال و جدل با رقبای خود مجهز سازند. تنها با پناه گرفتن روحانیون در پشت دژ قدرت است که آن‌ها از مهارت گفت‌وگو بی‌نیاز می‌شوند.

۳. مراکز فرهنگی مستقلی که در حوزه دین‌شناسی و مسائل دینی فعالیت دارند: شناخت ادیان امری مقایسه‌ای و تاریخی است. گفت‌وگو به این مقایسه و غور در تاریخ کمک می‌کند.

۴. هرگونه جمعی از دین‌داران (زیرزمینی و روزمینی) که به یادگیری، شناخت و تعامل با دیگر اهل ادیان علاقه دارند: دین‌داری در فضای خالی رخ نمی‌دهد. دین‌داری در تعامل با جهان خارج که شامل بر دین‌داران دیگر نیز هست واقع می‌شود. گفت‌وگو در نتیجه مواجهه با این جهان خارج است.

در حال حاضر آمیدی به مساجد و مدارس دینی و پژوهشکده‌های مربوطه برای فعال شدن در این حیطه نیست؛ چون آن‌ها همه حکومتی و دولتی و تحت نظر حکومت هستند و دیگر بخشی از نهادهای مدنی به حساب نمی‌آیند.

۶. زمینه‌های مساعد و حاصل خیز برای حمایت از گفت‌وگوی دین-محور و باور-محور در ایران

علی‌رغم دو دهه تبلیغات ضد بشری اسلام‌گرایی قبل از رسیدن به قدرت و چهار دهه حکومت اسلام‌گرایی که مبلغ عدم مدارا و ضد گفت‌وگو و ضد جدایی دین و دولت بوده و افراد را به اتهام باور به این امور محاکمه کرده یا به قتل رسانده است، جامعه ایران برای جدایی دین از دولت و گفت‌وگوهای باور-محور آماده است. وقتی بانفوذترین مولوی اهل سنت در بلوچستان، ده‌ها ماموستا در کردستان و رهبران اهل سنت در استان‌های گلستان و خراسان با دیدگاه‌های سنتی از حقوق برابر شهروندی بهاییان و بی‌دینان دفاع می‌کنند مشخص است که زمینه برای گفت‌وگو آماده است.

در سال ۱۴۰۱ هجری شمسی یا ۲۵۸۱ ایرانی جامعه ایران به یک دوراهی کلیدی در حوزه دین و دین‌داری رسیده است: «کنار آمدن با یک دولت دینی تمامیت‌خواه که کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین آزادی‌ها از جمله آزادی ایمان، دین و باور را نقض می‌کند و در حوزه زندگی نیز جز فلاکت و نکبت به بار نیاورده است، و رها کردن خود از این ننگ و مایه شرمساری با پذیرش بنیادهای جامعه مدرن یعنی گفت‌وگو، تفکیک نهادها و پاسخ‌گو کردن آن‌ها و بازگرداندن کرامت به تک‌تک شهروندان ایرانی.»

آن دسته از فعالان سیاسی که به دنبال نهادینه‌سازی جدایی دین و دولت و راه‌اندازی گفت‌وگوهای باور-محور هستند باید از این امر اطمینان حاصل کنند که جامعه برای این

امور آمادگی دارد تا نیروی خود را در حوزه‌ای که موفقیت‌آمیز نیست صرف نکنند. روندها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی در ایران همه حاکی از زمینه‌های مساعد برای سکولاریسم و گفت‌وگوهای اعتقادی هستند. ذیلاً به چند نشانه اشاره می‌کنم:

۱. در خارج از ایران که محدودیت‌های حکومت دینی وجود ندارد، دین‌داران ایرانی الاصل از ادیان و مذاهب مختلف در مجامع و رسانه‌ها با هم گفت‌وگو داشته و دارند. حتی روحانیون شیعه با بی‌دینان و لادری‌ها در باب موضوعات مختلف و اختلافی مثل وجود امام زمان، شفاعت و داستان کربلا گفت‌وگوهایی داشته‌اند. البته روحانیونی که حقوق‌بگیر جمهوری اسلامی هستند در خارج از کشور نیز وارد گفت‌وگو با دیگر اهل ادیان یا بی‌دینان نمی‌شوند.

۲. آن دسته از اقشار مذهبی که تحت ظلم و ستم حکومت قرار گرفته‌اند (و جمعیت قابل توجهی هم دارند) آمادگی زیادی برای گفت‌وگو با اهل دیگر ادیان دارند. وقتی «فائزه هاشمی» - دختر رئیس‌جمهور سابق - به دیدار خانواده‌های بهایی می‌رود این بدین معناست که دیوارها فرو ریخته است.

۳. زندانیان عقیدتی از جمله مسیحیان تبشیری، بهاییان، یهودیان، اهل سنت و شیعیان مخالف ولی فقیه، و نیز بی‌دین‌ها سال‌ها در کنار یکدیگر در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر برده‌اند. از این سرمایه اجتماعی می‌توان برای راه‌اندازی گفت‌وگو میان اهل ادیان و میان باورمندان و غیرباورمندان بهره گرفت.

۴. در دوران انقلاب ۱۴۰۱ روحانیون اهل سنت کاملاً در کنار معترضان از هر دین، جنسیت و طبقه در سراسر کشور قرار گرفتند و از آزادی دین، عقیده و بیان همگان دفاع کردند. این گروه‌ها همه بر سکولاریسم توافق داشته و مانعی برای گفت‌وگوی آن‌ها در یک ایران آزاد پس از سقوط جمهوری اسلامی نیست.

۵. از حیثه بوق‌های دولتی و حکومتی که خارج شویم، رسانه‌های عمومی فارسی‌زبان بر اساس احترام به دین‌داران و بی‌دینان و با مدارا رفتار می‌کنند. با سقوط جمهوری اسلامی این امر می‌تواند ادامه پیدا کند. جامعه ایران از این‌که بر سر مسائل و باورهای دینی در درون جنگ داشته باشد گذشته است. تنها وقتی پای قدرت و ثروت به میان می‌آید، منافع و قدرت‌خواهی‌ها شکل ایدئولوژیک پیدا می‌کند.

۶. میلیون‌ها ایرانی که امروز در جوامع غربی زندگی کرده و با الفبای دموکراسی و مدارا و

گفت‌وگو آشنایی دارند ظرفیت بسیار مناسبی برای مدافعه از سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی فراهم آورده‌اند. در میان این‌ها شهروندان ایرانی تبار غربی از هر نوع عقیده و باوری به چشم می‌خورد. حتی اگر این گروه از ایرانیان پس از سقوط حکومت اسلامی به ایران بازنگردند باز هم می‌توانند در گفت‌وگوها شرکت کنند. ارتباط میان داخل و خارج و استفاده از فضای مجازی دو رویکرد موثر در درگیرکردن ایرانیان به گفت‌وگوهای اعتقادی و بسط و تعمیق اندیشه‌های سکولار است.

فعالان اجتماعی و مدنی می‌توانند حوزه‌ای را برای کار انتخاب کنند که با موارد فوق هم‌افزایی داشته باشد. برخی از فعالیت‌ها در جامعه همدیگر را خنثی و برخی همدیگر را تقویت می‌کنند. با توجه به محدودیت منابع بهتر است فعالیت‌های اجتماعی در حوزه دین مدنی (در تقابل با دین سیاسی) گفتمان‌ها و روایت‌های همدیگر را مستحکم سازند.

۷. نقش نهادهای جامعه مدنی سکولار و غیرسکولار در بهبود گفت‌وگوی باور-محور

نهادهای مدنی، خواه طرفدار سکولاریسم و خواه مخالف با آن، در حوزه‌هایی که در زیر می‌آیند می‌توانند به بهبود گفت‌وگو کمک کنند. مسیرهایی که آن‌ها می‌توانند در پیش گیرند شامل امور زیر بوده، البته به این‌ها محدود نمی‌شوند:

- گسترش حوزه‌های عملی و درگیرکردن اقشار مختلف مثل جوانان، تجار، جوامع مذهبی، کارکنان بخش عمومی، انجمن‌های خیریه، اعضای مراکز فرهنگی، ستاره‌ها و اعضای نهادهای صنفی و حرفه‌هایی که از تنوع و هم‌زیستی منتفع می‌شوند.
- دستیابی به نقاط مشترک و ادغام عملکرد نهادهای جاافتاده‌تر و مشارکت با رهبران محلی و گروه‌های مردمی: احزاب سیاسی سکولار و نهادهای مدنی در حوزه‌های رسانه‌ای و هنری ظرفیت بالایی برای مشارکت در این امور دارند.
- کمک به کاهش مشکلات و تنش‌های رایج و فراهم آوردن منابع برای رسیدگی به آن‌ها در کنار شناسایی موانع تغییر و کشف ایده‌های نوآورانه برای پشت‌سرگردادن آن‌ها.
- بحث و گفت‌وگوی مداوم میان اعضای نهادهای مدنی (صنفی، حرفه‌ای

- خدمات محور بالخصوص در حوزه دین‌ودین‌داری) با علائق مشترک و درگیرکردن بسیاری از گروه‌ها و مشارکت در فعالیت‌های هماهنگ‌کننده.
- ایجاد ظرفیت در گروه‌ها برای عمل به ایده‌های خود: این ظرفیت با همکاری نهادها و افراد در حوزه‌هایی خاص و انجام پروژه‌هایی متمرکز مثل کمک به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی ایجاد می‌شود.
 - کلیدزدن به ابتکارات جدید و تقویت تاثیرگذاری مشارکت‌های موجود برای بهبود وضعیت جامعه: ساختن یک موسسه‌ی گذران اوقات فراغت سالمندان یا نگهداری از کودکان بی‌سرپرست می‌تواند پیوندهایی عمیق میان افراد از ادیان و باورهای مختلف به وجود بیاورد.
 - رفتن به سوی فعالیت‌هایی که اهل ادیان در آن‌ها مخرج مشترک دارند: فعالیت خیریه از اموری‌ست که اهل ادیان بدان توجه دارند و در آن وقت و سرمایه صرف می‌کنند.
 - تشویق سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و سازمان‌ها به سمت منافع جمعی و هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های گروه‌ها و تخصیص منابع در جهت بهبود حیات اجتماعی: دقیقا به همین علت نهاد‌های مدنی باید از معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌ها در صورت حمایت مالی از فعالیت‌های عمومی دفاع کنند. کمک‌گرفتن از بخش خصوصی همیشه بر درازکردن دست به سوی نهاد‌های عمومی و دولتی ارجحیت دارد. نهاد‌های دولتی و عمومی (مثل شهرداری‌ها) در قبال تخصیص منابع انتظار وفاداری دارند و همین امر به توزیع رانت می‌انجامد.
 - شکستن چرخه‌های تضاد و خشونت در جامعه و اتصال منابع تکه‌تکه به هم برای ایجاد اجماع عمومی و تعهد لازم برای اقدام جهت نتایج بهتر: به عنوان نمونه یک نهاد کمک به زنانی که با خشونت خانگی مواجه هستند افرادی را از ادیان و باورهای متفاوت در کنار هم قرار می‌دهد. این صحنه حتی می‌تواند به رقابت سال میان نهاد‌های دینی در کمک به افراد نیازمند و آسیب‌دیده بینجامد.
 - بسیج عمومی و پیگیری تغییرات متوجه به مدارا و رعایت حقوق بشر:

- حساسیت به نقض حقوق بشر دامنه افراد علاقه‌مند به گفت‌وگو و جدایی دین و دولت را بسط می‌دهد و اصولاً امری انسانی و اخلاقی است.
- جلب توجه رسانه‌های محلی: حضور دائمی در شبکه‌های اجتماعی این رسانه‌ها بسیار موثر است. رسانه‌های محلی معمولاً حساسیت کم‌تری به موضوعات امنیتی در سطح ملی دارند و از این جهت کار با آن‌ها آسانتر است.
 - کمک به رهبران نهادهای مدنی و عمومی برای ایفای نقش خود در ایجاد جوامع سالم و پایدار: دغدغه‌های بهداشتی، حیاتی، محیط زیستی و توسعه‌ای می‌توانند افراد بیشماری را در کنار هم قرار دهند.
 - تبدیل شدن به بخشی از حل مسئله به جای ایجاد مشکل: مشکلات جوامع پایان‌ناپذیر و متعددند و همیشه تلاش برای حل آن‌ها باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. این سرمایه‌ها را همگان می‌توانند برای اهداف مشروع و نامشروع خود مورد استفاده قرار دهند.

۸. چالش‌های رویکردهای سکولاریستی و اسلام‌گرایانه برای گفت‌وگو میان مومنان و غیرمومنان

رسیدن به هر موفقیتی بدون چالش نیست بالاخص اگر موانع جدی بر سر راه آن وجود داشته باشد و اعضای جامعه هزاره‌ها و قرن‌ها بر سر آن جنگیده باشند. از همین جهت باید دید که گفت‌وگوهای اعتقادی و باور-محور با چه دشواری‌هایی در عالم عمل در ایران روبرو هستند تا از پیش برای آن‌ها فکری کرد. این چالش‌ها برای جوامع سکولار و اسلام‌گرا متفاوت هستند.

چالش‌های سکولار برای راه‌اندازی گفت‌وگوی اعتقادی

در جامعه سکولار که محدوده‌های دین و دولت تا حد زیادی از هم جدا شده و روحانیت مستقیماً در حکومت حضور ندارد، بیش‌تر دین‌داران ضد سکولار هستند که از گفت‌وگو پرهیز می‌کنند؛ چون تصور می‌کنند که زمین برای آن‌ها تخت نیست یا اعلام مواضع فشار اجتماعی را بر آن‌ها افزون می‌کند. همچنین دین‌داران غیرسکولار یا ضدسکولار ممکن است شرکت در این گفت‌وگوها را برای خود دارای هزینه ببینند چون در جامعه سکولار محدودیت‌هایی بر سر کسب منابع نهادهای دینی وجود دارد و روحانیون مراقب هستند که مواضع آن‌ها به دریافت یا بهره‌گیری از این منابع خدشه‌ای وارد نکند. این خودداری در صورتی که آزادی بیان در جامعه محدود باشد تشدید می‌شود.

به همین دلیل طرفداران گفت‌وگو باید از آزادی بیان به طور مطلق دفاع کنند. طرفداران گفت‌وگو باید به این موضوع واقف باشند که در جریان گفت‌وگو و بیرون از آن افراد انوعی از سخنان تنفرآمیز یا احمقانه یا خیالی، خلاف واقع و افسانه‌ای به زبان می‌آورند. ممنوع‌کردن بیان با توجیه جلوگیری از این امور به بیان سخنان مقید و عقلانی نیز آسیب می‌زند. طرفداران گفت‌وگو باید به عقل جمعی و قدرت مردم در تشخیص سره از ناسره در صورت آرام‌کردن فضا و شفافیت باور داشته باشند.

البته بخشی از بی‌دین‌های سکولار نیز ممکن است در جوامعی با دولت دینی، برای گفت‌وگو از خود مقاومت نشان دهند. آن‌ها ممکن است بر این باور باشند که گفت‌وگو با قدسی‌انگاران و باورمندان به دین سیاسی و حکومتی بی‌فایده است و نخست باید با زور این‌ها را از قدرت به پایین کشید. پس از آن می‌توان در زمین تخت با آن‌ها سخن گفت. این البته بخشی از واقعیت است و نه همه آن. سکولارها برای پایان‌بخشیدن به حکومت دینی و قدسی‌انگاری نیاز به اقتناع عمومی دارند و بهترین مجرا برای این اقتناع واردشدن به گفت‌وگو با باورمندان به اسلام سیاسی و اسلام هویت است. هزینه‌ها البته قابلیت کاهش دارند اما به صفر نمی‌رسند.

چالش‌های اسلام‌گرایانه برای راه‌اندازی گفت‌وگوی اعتقادی

اما در جامعه‌ای که اسلام‌گرایان قدرت یا قدرت مطلق داشته باشند، گفت‌وگوی آزاد بسیار دشوار و پرهزینه یا غیرممکن است؛ چون هر آنچه را که غیرمسلمانان یا اهل سنت (وقتی شیعیان اسلام‌گرا حاکم باشند) بگویند می‌تواند عنوان اتهامی آن‌ها برای دادگاه‌های مبتنی بر ایدئولوژی باشد و برای جان آن‌ها مخاطره ایجاد کند. قدرتمندان دین‌گرا همانند مافیا می‌توانند مخالفان خویش را بربایند و سربه‌نیست کنند، اتفاقی که در ایران در دهه ۱۳۷۰ طی قتل‌های زنجیره‌ای افتاد. این اعمال با فتوای روحانیون نزدیک به حکومت انجام می‌شد. در مواردی، خصومت میان اهل یک دین حتی فراتر از خصومت میان اهل ادیان مختلف یا میان دین‌داران و بی‌دینان است. از همین جهت است که حتی گفت‌وگو و مدارا میان اهل دینی که دارای اکثریت است و در قدرت قرار دارد پا نمی‌گیرد.

علی‌رغم آن‌که فعالان اجتماعی و حقوق بشری همواره بر گفت‌وگوی اعتقادی به عنوان راه‌حلی در برابر تمسک به خشونت و تنفر تأکید دارند در برخی موارد و مواقع گفت‌وگو میان

دین‌داران و میان دین‌داران و غیردین‌داران پا نمی‌گیرد و طرف‌ها از آن استقبال نمی‌کنند. در مواردی گفت‌وگو غیرممکن می‌شود. این البته بدین معنا نیست که فعالان اجتماعی و حقوق بشری باید از این روش موثر دست بردارند. آن‌ها می‌توانند خود را برای فرارسیدن زمان مناسب آماده کنند و برنامه داشته باشند.

از آن‌جا که مومنان می‌توانند سکولاریست یا غیرسکولاریست باشند تنازع مذهبی و عقیدتی میان آن‌ها نیز یک چالش عمده است. این امر نهادهای مدنی فعال در میان دین‌داران را به دو شقه تبدیل می‌کند. این اتفاق در ایران میان باورمندان به ولایت فقیه و مخالفان ولایت فقیه در میان شیعیان افتاده است؛ باورمندان به ولایت فقیه حتی مومنان سکولار را وابسته به دشمنان خود و کشور معرفی می‌کنند.

۹. چارچوب‌ها و کارزارها

راه‌اندازی گفت‌وگوی باور-محور با هدف پیش‌برد سکولاریسم در ایران و نیز تشدید فرآیند عرفی‌شدن برای تقویت زمینه‌های گفت‌وگو، نیازمند شکل‌دادن به چند چارچوب (پلتفرم) و چند کارزار مبتنی بر آن چارچوب‌هاست.

چارچوب‌ها

چارچوب عبارت است از یک مجموعه سیاست یا برنامه اعلام‌شده. برخی از تعبیر «چارچوب» برای اشاره به نهادی که مسئولیت یک کارزار مشخص بدان واگذار می‌شود نیز استفاده می‌کنند. در این راهنما «چارچوب» (پلتفرم) را به معنای اول استفاده می‌کنیم.

اعلام سکولاریسم به عنوان یک ایده سیاسی و گفت‌وگو به عنوان یک خط‌مشی کافی نیست. در زیر به چند سیاست مشخص در این دو زمینه اشاره می‌کنم:

۱. حذف دین رسمی از قوانین اساسی و موضوعه که مانع جدی سکولاریسم و گفت‌وگوی میان ادیان است؛ وجود دین رسمی منشا تبعیض بر اساس دین و باور است. اگر قرار بر

تبعیض نباشد دیگر نیازی به رسمیت‌بخشیدن به یک دین خاص نیست.

۲. بی‌طرف‌سازی حکومت و نهادهای عمومی در حوزه دین و دین‌داری به معنای قطع

بودجه برای هر گونه تبلیغ و ترویج یک دین خاص و تخصیص بودجه برای فعالیت‌هایی

است که همه دین‌داران و بی‌دینان را در بر می‌گیرد؛ مثل جشنواره‌های باستانی و ملی که

همه ایرانیان را در بر می‌گیرد.

۳. حمایت همه نهادهای کشور از گفت‌وگوی میان ادیان و میان دین‌داران و بی‌دینان به عنوان یکی از مولفه‌های امنیت ملی: نهادهای عمومی قرار نیست هزینه‌های این امر را بپردازند، آن‌ها باید امنیت این گفت‌وگوها را تامین کنند و در حیطه‌هایی که دولت سرمایه‌گذاری می‌کند - مثل پژوهش - آن‌ها را مد نظر قرار دهند.

۴. الزام نهادهای خیریه و کمک به مردم به ارائه خدمات به همه شهروندان بدون توجه به دین و آیین و بی‌دینی آن‌ها و در عین حال لغو معافیت آن‌ها از مالیات در صورتی که از این امر تخلف کنند: افراد کم درآمد نباید در دریافت خدمات، احساس تبعیض مذهبی داشته باشند. نهادهای خدماتی دولتی و عمومی باید خدمات خود را فارغ از دین‌داری و بی‌دینی افراد عرضه کنند.

۵. تاسیس یک نهاد مدنی مستقل برای گفت‌وگوهای اعتقادی میان دین‌داران و بی‌دینان: گفت‌وگوی میان این دو گروه به یک اندیشکده منحصر به فرد نیاز دارد که در تجزیه و تحلیل روش‌ها، تبادل اطلاعات و مسائل ارتباطی در این حوزه، به‌ویژه در خاورمیانه بپردازد. به منظور ترکیب موفقیت‌آمیز تحقیقات دقیق و راه‌حل‌های موثر، این اندیشکده باید متشکل از هیئت مدیره‌ای باشد که شامل بر رهبران دولتی و خصوصی و نمایندگان پارلمان‌های کشورهای مختلف است. علاوه بر تحقیق و انتشار مقالات مختلف و تحلیل امور جاری از منظر گفت‌وگو، این موسسه به طور معمول جلسات توجیهی و کنفرانس‌های بزرگی را در مورد موضوعات نیازمند به گفت‌وگو و تجربیات و دستاوردهای گفت‌وگوی باور-محور، سازماندهی و اجرا می‌کند.

کارزارها

بر اساس چارچوب‌های فوق می‌توان به کارزارهای زیر رسید:

۱. ترویج ایده برابری حقوقی میان افراد، مذاهب مختلف و نفی سلسله مراتب قانونی بر اساس اعتقاد مذهبی یا عدم اعتقاد مذهبی: این برابری حقوقی رابطه‌ای ضروری با جدایی دین و دولت دارد. بخشی از دین‌داران باور دینی را عامل برتری اخلاقی و لذا اولویت در حقوق شهروندی می‌دانند. نهادهایی باید برای دادن خدمات حقوقی به افراد بدون توجه به باور و عدم باور آن‌ها تاسیس شود. این نهادها به‌ویژه باید از موارد مربوط به آزادی دین در دادگاه‌ها دفاع کنند.

۲. برگزاری مراسم ملی، منطقه‌ای و ملی (مثل جشنواره‌های مبتنی بر تغییر فصل‌ها یا استانی) که دین‌داری و بی‌دینی از مقدمات شرکت و مدیریت آن‌ها نیست: این مراسم، افراد دارای باورها و عقاید مختلف را در کنار هم قرار می‌دهد و فاصله‌های بین آن‌ها را کاهش می‌دهد. حوزه‌های عمومی و خصوصی می‌توانند محل برگزاری این مراسم باشند.
۳. تاکید بر اجتناب مدارس تا پایان دبیرستان از ارائه دروس جهت‌دار و تبلیغی: دین و بی‌دینی، دین‌داری یا بی‌دینی دانش‌آموزان را باید به افراد و خانواده‌های آن‌ها واگذاشت. معلمان مسئولیت یا ماموریتی در مدافعه از یک ایمان یا باور خاص ندارند. کار مدرسه تبلیغ این دین یا آن دین یا تبلیغ بی‌دینی نیست. این کارزار باید مدارس سراسر کشور را درنوردیده و خانواده‌ها را درگیر کند.
۴. دفاع از حقوق برابر زنان و مردان در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌ها چه در چارچوب‌های دینی و چه در چارچوب‌های غیردینی: بدون این کارزار طرفداران گفت‌وگو نیمی از مخاطبان بالقوه و بالفعل و نیمی از مشارکت‌کنندگان خود را از دست می‌دهند. همان‌طور که در ادبیات توسعه می‌گویند بدون مشارکت زنان توسعه اتفاق نمی‌افتد یا در ادبیات دموکراسی می‌گویند بدون زنان دموکراسی محقق نمی‌شود، در پیش‌برد سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی نیز بدون مشارکت زنان موفقیت حاصل نمی‌شود.
۵. دفاع بی‌برو برگرد از حقوق اقلیت‌های جنسیتی که معمولاً حقوق آن‌ها توسط اکثریت نادیده گرفته شده یا نقض می‌شود. این اقلیت‌ها می‌توانند هم‌پیمانان موثری برای کارزارهای جدایی دین از دولت و گفت‌وگوی اعتقادی باشند؛ چون این امور برای آن‌ها جنبه حیاتی دارد. آن‌ها نمی‌خواهند دولت و قدرت، با اتکا به دین یا ایدئولوژی حقوق‌فرديشان را محدود سازند.

۱۰. چگونه می‌توان این چارچوب‌ها و کارزارها را توسعه داد؟

تمسک به حکومت برای توسعه چارچوب‌ها و کارزارهای مذکور از اساس نادرست است؛ چون ۱. با اخذ استقلال از نهاد مجری، این چارچوب‌ها و کارزارها از آن‌ها سلب اعتماد عمومی می‌کنند، و ۲. آن‌ها را با وابسته‌کردن به قدرت که سیال است دچار بی‌ثباتی می‌سازد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد بهترین مجرا برای به جریان‌انداختن چارچوب‌ها و کارزارها نهادهای مدنی هستند.

چند روش سنتی و مدرن برای توسعه این کارزارها وجود دارد:

۱. عریضه‌نویسی: افراد و گروه‌ها می‌توانند با نوشتن عریضه خطاب به عموم یا حکومت یا نهادی خاص درخواست‌های خود، مبنی بر احترام به بنیادهای سکولاریسم مثل جامعه مدنی و نهادهای مستقل، شایسته‌سالاری و حاکمیت قانون و نه شریعت را خواستار شوند.

۲. تحریم فعالیت‌های مخرب: تحریم روش‌های سنتی و قدیمی برای مقابله با یک سیاست یا یک برنامه است. کسانی که در حوزه کارزارهای مربوط به گفت‌وگوهای اعتقادی و جدایی دین از دولت کار می‌کنند می‌توانند از مردم بخواهند مخالفان این دیدگاه‌ها را در فضای عمومی تحریم کنند. به عنوان مثال؛ کالاهایی را که آن‌ها تبلیغ یا تولید می‌کنند نخرند و به برنامه‌هایی که آن‌ها حضور دارند نگاه نکنند و مواردی دیگر از این قبیل.

۳. شرمساری: شرمسارکردن مقامات دولتی و عمومی کاملاً جایز است و این بخشی از فرآیند پاسخ‌گویی است. آن دسته از مقامات که با جدایی دین و دولت مخالف هستند یا با گفت‌وگوی اعتقادی به مخالفت می‌پردازند شایسته این شرمساری هستند. چهره‌های مشهور و ستاره‌ها را نیز می‌توان با رعایت قانون و بدون توهین و آزار مورد پرسش‌هایی قرار داد که ممکن است آن‌ها را در افکار عمومی بدنام یا کم‌مشتري سازد. شرمسارکردن بدیل بسیار مناسبی برای دست‌یازیدن به خشونت است. یکی از کارکردهای موثر شرمسارکردن، وادارکردن افراد در قدرت به پاسخ‌گویی است.

۴. لابی با نیروهای موثر: لابی‌گری برای یک سیاست خاص اگر شفاف بوده و به نفع خیر عمومی یا منافع خصوصی مشروع باشد هیچ اشکالی ندارد. در برخی موارد این لابی‌گری یک خدمت است مثل این‌که گروهی برای ارائه خدمات به نابینایان یا ناشنوایان لابی کنند. در حوزه این بحث نیز لابی برای پیش‌برد برنامه جدایی دین و دولت و برداشتن موانع از سر پای گفت‌وگوهای اعتقادی یک خدمت عمومی است.

۵. کارزار در شبکه‌های اجتماعی: بر خلاف این انتقاد که اظهار نظر در شبکه‌های اجتماعی و فشار بر سلبریتی‌ها برای اظهار نظر بی‌فایده است، این کارزارها بر حسب موقعیت و زمان و چهره‌های درگیر می‌توانند در تغییر یا برانگیختن افکار عمومی بسیار موثر واقع شوند. البته تاثیر این کارزارها از فعالیت خیابانی مثل تظاهرات کم‌تر است اما در صورت گستردگی موثر واقع می‌شوند.

در این‌جا به دو نمونه از کارزارهایی که می‌توانند گفت‌وگو را همراه با مدارا توسعه دهند اشاره می‌کنم. یک کارزار جنبه ایجابی دارد به این معنا که هر اقدام مداراجویانه و گفت‌وگومحور در شبکه‌ای اجتماعی تشویق شود. کارزار دوم جنبه سلبی دارد به این معنا که در مورد اقدامات ضد مداراجویانه و تنش‌محور اطلاع‌رسانی شود. در این اطلاع‌رسانی فقط خبررسانی مد نظر است و نه اظهار نظر یا موضع‌گیری.

۶. پیوستن به شبکه‌های گفت‌وگوی میان-فرهنگی و میان‌ادیان در دنیا: امروز در سراسر دنیا شبکه‌هایی برای گفت‌وگو میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها در حوزه‌های فرهنگ، دین، ایمان و معنویت وجود دارد. ایرانیان هم از دانش و هم از ابزارهای کار با شبکه‌ها برخوردارند. مباحث دینی نیز همچنان مورد علاقه آن‌هاست و از حضور در مجامع مجازی برای بحث در این مسائل استقبال می‌کنند.

۷. راه اندازی اتاق گفت‌وگو: افراد می‌توانند به عنوان میزبان، اتاق‌هایی در شبکه‌های اینترنتی گفت‌وگو برای گفت‌وگوی اعتقادی و بحث در باب جدایی دین و دولت، که به یکی از اهداف همبسته‌ساز مخالفان حکومت دینی در ایران تبدیل شده، تاسیس کنند. این اتاق‌ها در سال‌های اخیر رونق یافته و افراد بسیاری در داخل و خارج ایران در آن‌ها شرکت می‌کنند. به دلیل همین تاثیر است که اسلام‌گرایان تلاش دارند در این اتاق‌ها شرکت کنند یا اتاق‌هایی را خود، راه بیندازند.

۸. درگیرکردن عموم: هر شهروند می‌تواند نقشی در ایجاد مدارا و گفت‌وگو داشته باشد. سرزندگی جوامع و دموکراسی و داشتن انگیزه برای دفاع از حقوق بشر به مشارکت فعال هر فرد متکی است. هر کسی می‌تواند در یک گفت‌وگو شرکت کند. برگزارکنندگان باید به دنبال تنوع و گسترش حداکثری حیطه مخاطبان خود باشند. برگزارکنندگان برای گردآوری بیش‌تر افراد شرکت‌کننده باید به خطوط مختلف صنفی، قومی، فرهنگی، طبقاتی و محلی توجه داشته باشند، مثل:

- رهبران محلی
- جوانان
- تجار و کسبه
- صنوف خدماتی مثل رانندگان کامیون یا گارسون‌ها یا نظافت‌کاران
- متخصصان بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی
- رهبران مذهبی
- سالمندان
- ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور
- افراد خانه‌دار
- مریبان
- هنرمندان از رشته‌های مختلف
- روزنامه‌نگاران و نویسندگان
- مددکاران اجتماعی
- روان‌شناسان و روان‌پزشکان
- دانش‌جویان و دانش‌آموزان.

۱۱. دستورالعمل‌های کاربردی گفت‌وگوهای اعتقادی با هدف بسط سکولاریسم

رمز پیروزی در برقراری گفت‌وگو با هدف بسط سکولاریسم، همکاری مستمر با نهادهای دینی اعم از اقلیت و اکثریت و در ارتباط مدام بودن با رهبران مذهبی و انجمن‌های افراد بی‌دین و سکولار است، مگر آن‌که خود آن‌ها همکاری نکنند.

هر دو دنیای مجازی و فیزیکی در این میان نباید فراموش شود. راه‌اندازی کانال‌ها و صفحات اینستاگرامی و تلگرامی برای ترویج سکولاریسم و گفت‌وگوی باور-محور باید همراه شود با مشارکت فعال در انواع برنامه‌هایی که نهادهای مدنی راه می‌اندازند. فعالان این حوزه باید در نظر داشته باشند تا با فعالان مدنی دیگر حوزه‌ها ارتباط مستحکمی برقرار کنند. ارتباط با افراد تاثیرگذار کلیدی است.

در این جا چند پیشنهاد برای راه‌اندازی گفت‌وگوی باور-محور با هدف جدایی دین از دولت عرضه می‌دارم:

- یک تیم گفت‌وگو برای میزبانی رویدادها شکل دهید: یک رویکرد تیمی برای برقراری گفت‌وگو به ایجاد و گسترش وظایف مربوطه کمک خواهد کرد. تیم می‌تواند در تعیین اهداف پروژه کمک کند. بهتر است اعضای تیم کسانی باشند که قبلاً با هم کار کرده‌اند و به یکدیگر اعتماد دارند.
- اهداف را برای گفت‌وگو تعیین کنید: جامعه شما ممکن است اهداف خاصی

برای گفت‌وگو و اطلاعات دریافتی از آن داشته باشد که با اهداف شما متفاوت باشند. طراحی جلسه گفت‌وگو باید منعکس‌کننده این اهداف باشد. می‌توانید کارهای موجود در جامعه را عمق بخشید یا درس‌های آموخته‌شده را بازبینی کنید. شاید به یک گروه جدید برای رسیدگی به ابعاد دیگری از موضوع مورد بحث نیاز داشته باشید.

- گروه شرکت‌کنندگان را تعیین کنید: دوست دارید چه کسانی را برای مشارکت در بحث دور هم جمع کنید؟ برای به حداقل رساندن تلاش مورد نیاز، راحت‌ترین کار همکاری با یک گروه موجود است. این به شما امکان می‌دهد از شبکه آن‌ها استفاده کنید. همچنین ممکن است بخواهید صداهای جدیدی را به گروه خود بیاورید. گروه‌های شرکت‌کننده در گفت‌وگو ممکن است به کوچکی پنج نفر یا به بزرگی ۵۰۰ نفر باشند. این تعداد به نحوه طراحی گفت‌وگو و آنچه می‌خواهید انجام دهید و این‌که چقدر زمان لازم دارید بستگی دارد. گروه‌ها معمولاً ۱۰ تا ۲۵ شرکت‌کننده دارند و گفت‌وگو حدود دو ساعت، ظرفیت بحث مفید دارد.

- بهترین طرف‌های گفت‌وگو کسانی هستند که قبلاً یا در دولت‌های دینی کار کرده و بعد منتقد آن‌ها شده‌اند یا کسانی که قربانی دولت‌های دینی بوده‌اند. مدافعان دولت‌های دینی نیز باید تجربه کار در آن قلمرو را داشته باشند. مخاطبان سخنان افرادی که در این زمینه قبلاً کار کرده و درگیر بوده‌اند را بهتر باور می‌کنند.

- در مواردی طرف‌های مناسب برای گفت‌وگو از مشارکت به دلایلی که ممکن است مشخص باشد یا نباشد سر باز می‌زنند. در این مورد باید به مشاوران و نزدیکان آن‌ها نزدیک شد تا موانع را از سر راه بردارند. همچنین برای جهت دادن به بحث در گفت‌وگو می‌توان از این افراد استفاده کرد.

- تسهیل‌کننده گفت‌وگو را از قبل انتخاب و آماده کنید: فراهم آوردن مقدمات و آمادگی برای یک گفت‌وگوی موفق ضروری است. شما باید از یک تسهیل‌کننده باتجربه یا شخصی که شنونده خوبی است و می‌تواند در عین بی‌طرفی به گفت‌وگو الهام بخشد، دعوت کنید. برای مجری مهم است

که با سوالات گفت‌وگو راحت باشد و تعیین کند که چگونه مکالمه را به بهترین شکل طراحی کند.

- یک مکان و زمان مشخص برای گفت‌وگو تعیین کنید: مکانی را انتخاب کنید که راحت و در دسترس باشد. گفت‌وگوها را می‌توان به راحتی در خانه شخصی، یک مرکز اجتماعی، محل عبادت، کتابخانه یا اتاق غذاخوری خصوصی یک رستوران محلی برگزار کرد. بیمارستان‌ها، مدارس و مشاغل اغلب دارای اتاق کنفرانس یا کافه تریا هستند که گروه‌ها می‌توانند در آن‌ها ملاقات کنند. حتما حداقل دو هفته قبل از جلسه، زمان گفت‌وگو را اطلاع دهید. یک تماس یادآوری ۲ روز قبل از رویداد به افزایش حضور کمک می‌کند.

- یک محیط جذاب ایجاد کنید: ترتیب نشستن در یک گروه بر حسب اندازه مهم است. برای اطمینان از تعامل قوی، صندلی‌ها را در یک دایره یا در یک ساختار U شکل قرار دهید. نوشیدنی گرم یا شیرینی یک نشانه خوش‌آمد و مناسب برای قدردانی است، اما کاملاً ضروری نیست.

از قبل تفاوت مناظره و بحث با گفت‌وگو باید برای طرف‌های گفت‌وگو روشن باشد. مناظره و بحث با هدف پیروزی یک طرف بر طرف (یا طرف‌های) دیگر صورت می‌گیرد؛ مثل مناظره یا بحث نامزدهای انتخاباتی. اما گفت‌وگو فقط برای طرح دیدگاه‌ها و چالش طرف‌های دیگر نیست. گفت‌وگو برای یافتن مخرج مشترک‌ها، فهم دیدگاه‌های متفاوت و برساختن یک چشم‌انداز مشترک و جمعی است. در گفت‌وگو قرار است غیر از نظرات طرف‌ها فرزندان تازه‌ای به دنیا بیایند. در گفت‌وگو پیش‌فرض وجود ندارد؛ افراد از یکدیگر برای فهم طرف دیگر سوال می‌کنند و مفروضات خود را به آزمون می‌گذارند.

۱۲. سوالات اساسی پیشنهادی برای استفاده اداره‌کنندگان گفت‌وگوها و کارزارها

در گفت‌وگوی میان دین‌داران و بی‌دینان بر سر سکولاریسم، هم پرسش‌های از صورت‌ها و چارچوب‌های مباحث و هم محتوای آن‌ها اهمیت دارد. بسیاری از مشکلات در گفت‌وگو بر سر روش‌ها حل می‌شوند و دیگر کار به جدال بر سر محتوا نمی‌رسد. همچنین توافق بر سر روش‌ها از تنش میان طرف‌ها جلوگیری می‌کند.

در روش

پرسش‌های زیر بیش‌تر متوجه روشن ساختن روش گفت‌وگو و حدودمرزهاست:

۱. چگونه می‌توان افراد بیش‌تری را در فعالیت‌ها درگیر کرد؟
۲. چگونه می‌توان افراد را برای درگیرشدن در گفت‌وگو به معنای واقعی آن آموزش داد (ترجیحا به صورت غیرمستقیم)؟
۳. چگونه می‌توان تحولات اجتماعی را برای کشف مشکلات بر سر راه گفت‌وگو و جدایی دین و دولت رصد کرد؟
۴. موانع چیستند و چگونه می‌توان آن‌ها را از سر راه برداشت؟
۵. چه عوامل و عناصری به پیش‌برد برنامه‌ها کمک کرده و چگونه می‌توان آن‌ها را به همکاری فراخواند؟

۶. از کجا باید شروع کرد و چگونه مسیر را طی نمود؟
۷. منابع مالی انجام این کارها را چگونه می‌توان تامین کرد؟
۸. بهترین نوع سازمان برای انجام این کارها چیست؟ هر می، خوشه‌ای یا شبکه‌ای؟
۹. حدود و مرز درگیر شدن با سیاست جاری کجاست؟ درگیر شدن با سیاست جاری در چه محدوده‌هایی مضر و در چه محدوده‌هایی مفید و کمک‌کار است؟
۱۰. کارزارهای موثر برای طرح فواید و دستاوردهای سکولاریسم کدامند؟

در محتوا

پرسش‌های محتوایی باید مستقیماً به سراغ حیطه‌های مورد دعوا بروند. در عین حال پرسش‌هایی که مبانی فکری طرف‌ها را آشکار می‌سازند اهمیت دارند. در عین حال باید از پرسش‌هایی که افراد احساس کنند برای گیرانداختن آن‌ها مطرح شده پرهیز کرد:

۱. آیا دین‌داران می‌توانند افرادی باورمند و سکولار باشند؟
۲. آیا سکولاریسم به تدریج به سست‌ایمانی می‌انجامد؟
۳. آیا سکولاریسم تهدیدی برای دین است؟
۴. آیا باور به سکولاریسم برانگیزاننده خشونت است یا می‌تواند باشد؟
۵. جامعه سکولار بیش‌تر تبعیض‌آمیز است یا جامعه ضد سکولار؟
۶. نقش خدا و دین در جامعه سکولار چیست؟
۷. مشکلات سکولاریسم برای جوامع کدامند؟
۸. آیا سکولاریسم مقوم تنوع و تکثر است یا ضد آن؟
۹. امکان گفت‌وگوهای اعتقادی در جوامع سکولار بیش‌تر است یا در جوامعی که دین و دولت از هم تفکیک نشده‌اند؟
۱۰. ریشه‌ها و مبانی سکولاریسم کدامند؟
۱۱. آیا سکولاریسم فقط در جوامعی خاص ممکن است؟
۱۲. منتقدان سکولاریسم چه کسانی هستند؟
۱۳. آیا برخی ادیان ظرفیت بیش‌تری از دیگران برای مشروعیت‌بخشی به سکولاریسم دارند؟
۱۴. آیا سکولاریسم انواع و گونه‌های مختلفی دارد؟

۱۵. آیا سکولاریسم به مدرنیته وابسته است؟ گفت‌وگوی اعتقادی چه نقشی در برآمدن مدرنیته داشت؟
۱۶. آیا جنبش مشروطه در ایران یک جنبش سکولار بود؟
۱۷. چگونه انقلاب ۵۷ که در آغاز دینی نمی‌نمود به یک انقلاب دینی و بعد حکومت دینی منتهی شد؟
۱۸. سکولاریسم در ایران چه موانع و چه زمینه‌های مناسبی دارد؟
۱۹. آیا آینده ایران به ناگزیر سکولار است؟
۲۰. مهم‌ترین نیروها و اقشار برای پیش‌برد ایران به سکوی سکولاریسم کدامند؟
۲۱. سکولاریسم شمول‌گرا بیش‌تر اهل ادیان را از تنش باز می‌دارد یا سکولاریسم ناشمول‌گرا؟
۲۲. آزادی‌های دینی را کدام نوع از سکولاریسم بیش‌تر تضمین می‌کند: سکولاریسم نهادی، سکولاریسم قانون-سیاست عمومی یا سکولاریسم ارزشی-هنجاری؟
۲۳. چرا بخشی از دین‌داران با سکولاریسم مخالفند؟ آیا مبانی دینی آن‌ها چنین اقتضایی دارد؟
۲۴. آیا سکولاریسم اصولاً ممکن است؟
۲۵. چه زیرساخت‌هایی سکولاریسم را در یک جامعه ممکن می‌سازند؟

برای پرسش‌های بیش‌تر در باب سکولاریسم و گفت‌وگوی اعتقادی-انتقادی

برای این‌که خوانندگان این راهنما با دامنه گسترده‌ای از پرسش‌های مربوط به سکولاریسم و اسلام‌گرایی و گفت‌وگوی میان دین‌داران و بی‌دینان در ایران مواجه شوند آن‌ها را به مطالعه ده کتاب نویسنده این راهنما در حوزه دین‌شناسی معاصر در ایران ارجاع می‌دهم. این ده اثر بدون دشمنی با دین و بی‌دینی و صرفاً با دیدی تحلیلی-گزارشی نوشته شده‌اند:

۱. آسیب‌شناسی دینی (۱۳۷۱): شامل نقد، نگاه یا تصور معمول از دین در دهه‌های

پنجاه و شصت خورشیدی در ایران و پروژه ایدئولوژیک کردن دین و اسلامی‌کردن.

۲. دین‌شناسی معاصر (۱۳۷۶): شامل مرور، نقد و مقایسه دیدگاه‌های اصلی دینی در

ایران در نیمه دوم قرن بیستم.

۳. بر بام‌های آسمان (۱۳۸۱): در توضیح تعارض و تنش میان سکولاریسم و اسلام‌گرایی.

۴. دین علیه ایمان (۱۳۷۸): متمرکز بر تبیین تفاوت ایمان و دین و این‌که چگونه نهاد

دین علیه ایمان کار می‌کند.

۵. سرگفت‌وگو: فلسفه نبوت در چشم‌انداز فیلسوفان، متکلمان و عرفا (۱۳۸۱): منظور

از «فلسفه نبوت» در این کتاب چرایی نبوت، شأن و مقام انبیا در جامعه بشری،

نسبت نبی با دیگر موجودات و خلائق و حیطة رسالت انبیا است.

۶. نظام‌های اخلاقی در ایران و اسلام: به همراه تحلیل جامعه‌شناسانه از وضعیت

- اخلاقی در ایران امروز (۱۳۸۰): در این کتاب پنج نظام اخلاقی فلسفی، عرفانی، روایی، جوان‌مردی و سیاسی-حکومتی در بافت و سیاق جامعه ایران در ادوار گذشته، مورد بحث و بررسی و مقایسه واقع شده‌اند.
۷. سر بر آستان قدسی، دل در گرو عرفی (۱۳۷۷): تمرکز این کتاب بر نشان دادن فرآیندی درون‌زا در ایران در حوزه عرفی شدن حتی در دوران حکومت دینی است.
۸. خدا احمق‌ها را دوست دارد: این یک اثر تحلیلی است که با چاقوی تحلیل بسیاری از مفاهیم دینی را بررسی می‌کند، مثل خاتمیت، شفاعت، معصومیت، رستاخیز و نبوت.
۹. وجوه ایدئولوژیک و نهادی فرآیند اسلامی‌سازی: چگونه اسلام‌گرایی و شریعت مانع از «حیات، آزادی و پیگیری سعادت» می‌شوند (۲۰۱۸): این کتاب، که به زبان انگلیسی منتشر شده است، توضیح می‌دهد که چگونه اسلام‌گرایی کار می‌کند. اسلام‌گرایی ایدئولوژی تنفر، تبعیض و عدم مداراست. این ایدئولوژی نماد انسان‌هراسی، زن‌ستیزی و تعصب است.
۱۰. قرار بود التیام آور و معنابخش باشد (۱۴۰۰): در این کتاب کارکردهای دین فراتر از چارچوب‌های سیاسی بحث شده است؛ با تمرکز بر «دین واقعا موجود» اسلام که از مسیر این کارکردها خارج شده است. این کارکردها عبارت بوده‌اند از التیام‌بخشی، حس تعلق و اجتماعی شدن که با حضور در مراسم مذهبی ایجاد می‌شود و احساس ارتباط با یک منبع مقدس مثل خدای انتزاعی و اشیای مقدس. در این کتاب این کارکردها از کارکردهای دین سیاسی و دین ایدئولوژیک شده تمایز داده شده است.

برای مطالعه بیش تر

- David D. Chrislip and David, D., & Larson C. (1994). Collaborative Leadership: How Citizens and Civic Leaders Can Make a Difference.

کتاب فوق درباره رهبری جمعی و مبتنی بر همکاری است. از نگاه نویسندگان مدیریت تغییر در جهان متمرکز امروز بدون در کنار هم قراردادادن رهبران گروه‌ها و سازمان‌های متنوع ممکن نیست. این اثر برای کنکاش بیش تر در موضوعات فصول پنجم، هفتم و یازدهم به کار می‌آید.

- Oddbjørn Leirvik (2014). Interreligious Studies: A Relational Approach to Religious Activism and the Study of Religion

این کتاب به چالش‌های روابط میان ادیان و درک آن‌ها می‌پردازد. گفت‌وگوی میان ادیان در عمل و نظر، سکولاریسم و گفت‌وگوی میان ادیان و نقش سیاست هویت‌گرا در این گفت‌وگو از مباحث اصلی کتاب هستند. این اثر برای کنکاش بیش تر در موضوعات فصول اول و هشتم به کار می‌آید.

- John H. Smith (2011). Dialogues Between Faith and Reason: The Death and Return of God in Modern German Thought

اسمیت در بحث از گفت‌وگو میان ایمان و عقل سیر اندرکنش این دو را در تاریخ اندیشه‌ها دنبال می‌کند. این کتاب برای کنکاش در مباحث فصول سوم و چهارم مناسب است.

- Craig Calhoun, Jonathan VanAntwerpen, Michael Warner (editors) (2013). *Varieties of Secularism in a Secular Age*

نویسندگان مجموعه مقالاتی که کتاب را تشکیل می‌دهد؛ ویژگی‌های عصر سکولار، وجوه تمدنی، فضایی و جنسی امر عرفی و رابطه سکولاریسم و مدرنیته را توضیح می‌دهند. این اثر برای کنکاش بیش‌تر در موضوعات فصل ششم به کار می‌آید.

- Andrew Copson (2019) *Secularism: a Very Short Introduction*

کتاب فوق که اثری مقدماتی در مورد سکولاریسم است برای غور و واریسی بیش‌تر در اغلب فصول این کتاب به کار می‌آید.

درباره نویسنده

مجید محمدی نویسنده و پژوهش‌گر و تحلیل‌گر آزاد سیاست و جامعه ایران و ایالات متحده است. وی به عنوان دانش‌یار در کالج ایالتی گلنویل، هموند فوق دکترا در دانشگاه پرینستون و هموند مرکز دموکراسی، توسعه و قانون در دانشگاه استنفورد به پژوهش و تدریس پرداخته است. وی قبل از انتقال به ایالات متحده در سال ۲۰۰۰، در کارگاه‌هایی برای تهیه پیش‌نویس قانون و سیاست‌های آزادی‌گرایانه در حوزه رسانه و فرهنگ در ایران کار می‌کرد. این سیاست‌ها معطوف به بهبود حاکمیت قانون، جریان آزاد اطلاعات و احقاق حقوق بشر، مدنی و اساسی در ایران بود. وی مدارک تحصیلی خود را از دانشگاه شیراز (کارشناسی مهندسی برق)، دانشگاه تهران (کارشناسی ارشد فلسفه) و دانشگاه استونی بروک نیویورک (دکترای جامعه‌شناسی) دریافت کرد. از این نویسنده ده‌ها کتاب به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است از جمله:

- *Civil Society: Iranian Style (Persian, 1999)*
- *Religion vs. Faith (Persian, 1999)*
- *The Quandary of Political Reforms in Iran Today (Persian, 2000)*
- *Authoritarian Face: Iranian TV, 1990-2000 (Persian, 2001)*
- *Heaven's Ladder: Analytic Philosophy of Religion (Persian, 2002)*
- *Judicial Reform and Reorganization in 20th Century Iran (English, 2007),*

and

- *Political Islam in Post-Revolutionary Iran: Shi'i Ideologies in Islamist Discourse (English, 2015)*

